

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

دوشنبه ۱۷ فبروری ۲۰۲۰

ناتور رحمانی

## از دامی به دامی

با نشان بی نشان از پایان فصل خُریت، وحدت، رادمردی و سلحشوری، با طراحی های ددمنشانه و ایجاد فضای تحقیر و تجاوز، هزارگونه هزار در هزار، دیوی خون آشام، ویرانگر و بی فرهنگ ، از نژاد خشم، از جنس خراتین مکرویزا، از داخل یا از آنطرف مرزها، کشور آزادگان را به خاک و خون کشاندند، و خاکستر شهر شهر سوخته از دم شوم، متجاوزین اشغالگر، چنان اختناقی را به وجود آورد، که هر خانه اگر چهار دیوارش باقی بوده باشد، برای باشندگانش ضیق و زندان گردید.

آدمها همدیگر شانرا، بعد نشست دود و دم بمب های انتحاری، در زیرزمین شفاخانه های لبریز از مسئله شدگان انفجار و انتحار، شناسایی می کنند.

هر شغال مخرب خانگی، که دم به چنگال روبه ای محیل بیگانه داده است، در به آتش کشیدن و تباهی کامل میهن، معنویت، صداقت، محبوبیت، باور و اعتماد، امنیت و آسایش، همزیستی و همگرایی عشق و علاقه، ثروت و دارایی های عامه، حرمت و احترام ، جمع ارزش های اخلاقی، و دهها انگیزه ورجاوند و والای دگر از همدیگر گوی سبقت ربوده است.

و با تمکین به بهانه های اغواگرانه، بنام های دموکراسی، انقلاب، جهاد و پاسداری از خدای خشم و خدعه شان، درمانده ترین ها را، به فقر و تنگدستی، بی هویتی و آوارگی، در یوزگی و ذلت، ستمکشی و خواری کشانیده است، و با حرص تمام ناشدنی برای به دست آوردن مال و مکنت نامشروع ، آنی را که از پشت خنجر خورده، و زخمی بر زمین افتاده، ددمنشانه چپاول نموده، و با تازیانه ای تازیانه با قساوت تمام ضربه زده، و لگدمال هوس شیطانی خویش می کند.

اوباشان از سنگر عقیده پرخاش و پراگندگی شان، با اتکا به مقدسات ابداعی ذهن مخدوش خودشان فرمان قتل عام می دهند، آنها نمی گذارند و هرگز نمی گذارند، آدمها چیزی به نام شعور داشته

باشند با توسل به توطئه و تفتیش عقاید، آنی را که خرد دارد و دگراندیش است، به چوب تکفیر می بندند، کافر، ملحد، زندیق، بی ایمان و همچو چیز هائی نام می دهند، فرمان قتل اش را از منبر تعصب و تیره نظری صادر می نمایند.

این خدعه پردازان تاریک ضمیر، تا بوده در ضدیت با علم و هنر، معرفت و آگاهی، روشنایی و نور، از هیمه بی خردی شان، آتش به کانون دانایی زده اند، هنر را در چهار راهی فکر جمود شان، به دار کشیده اند، دانش آموز، دانشجو و دانشمند را تا توانسته اند، زجرکش نموده توهین و تحقیر کرده اند با خانم های روشنفکر، و دخترخانم های علم اندوز، کینه توزی بیشتری داشته اند، میزان فهم آنها را برای کله ای منگ گرفته ای خود، شرم کلان دانسته، با جبر این طیف قابل ملاحظه را، پرده نشین چهاردیواری خانه و زنده بگور نموده، از مصدر تازینامه فتوا می دهند، که زن سیاه سر است و سیه پوش، که زن مسلمان حق آموختن علم و هنر را ندارد.

آنها می دانند که بقا و قوام شان، در بی خردی، جهل و خرافات پسندی توده ها ریشه دارد، با این تدبیر رذیلانه سعی می نمایند، با هر حيله ای به آدمها تلقین نمایند، که بدبختی و فلاکت شان، مصیبت و سیه روزی شان، از آموختن علم که فرآورد ابلیس است می باشد، یا تصویر دگری از قضا و قدر می کشند، و آدم ها را به آن تناب می بندند.

وقتی آدم ها، آنهایی که بر ارابه ای جهل سوار اند، سرنوشت شانرا به دست قضا و قدر می سپارند، بدون درک این که خوشبختی و بدبختی، محصول فکر و اندیشه خودشان است، همان گونه با روزمرگی مواجه گشته، دست تعصب کور، غرق در منجلاب بی خردی، نادانی و خرافات پسندی باقی می مانند.

گفته اند: «ملت‌ی به خودکفایی، ترقی، همزیستی مسالمت آمیز، هم‌پذیری، استقلال و آزادی، و فهم انسانی می‌رسند، که به علم، هنر، کتاب و قلم بیشتر حُرمت و ارزش قایل باشند، تا به اماکن متبرکه و مُرده پرستی‌های خرافی.»

در مُلک ما تفنگ، تریاک، تبلیس، تفتین، توهین، تحقیر و تفتیش عقاید، سلاح به دست مذهبی مزور، زاهد ریاکار و خودفروش، متولیان، تیکه دار و دکانداران دین است، تا روز از روز دگر بدتر شود، این چرمینه پوست ها به دستور بادهای شان، تلاش دارند بدبختی های ملت را، ژرفنای بیشتر ببخشند، و با وطنفروشی عمر نگیت بار و زبون شانرا دوامدار بسازند.

( بین تفاوت ره از کجاست ، تا به کجا ... )

و ما از دامی به دام دیگری، به اجبار تحویل داده می شویم، آنهم به خاطر باور موهوم، از زیادت خواب بردگی، نبود درک درست از قضایا و افیون عقیده تحریف شده، دشمن اندیشه رهایی زرنگ است و این تکرار را هزار و چند صد سالی مکرر کرده است!!؟

تا توده ها به بیداری اندیشه نرسند ، نمی توانند توقع نمایند، که روز و روزگار را به نفع خویش تغییر دهند !!

**ناتور**